

واکاوی اثربخشی نظام حکمرانی در اشاعه فرهنگ وقف در بانوان

(مورد مطالعه: دوران صفویه تا پهلوی)

دکتر حوریه ربانی اصفهانی*

دکتر محمد صالح طیب نیا[□]

چکیده:

نهاد وقف یکی از تعالیم ارزشمند مکتب اسلام می باشد که مختص طیف خاصی نبوده و با توجه به تنوع اشکال فعالیت آن، برای همه اقشار جامعه قابل دسترس است. این سنت گرانبها در صورت قرار گرفتن در جایگاه اصیل خود می تواند به عنوان اهرمی قدرتمند برای جبران نیازهای مادی و معنوی، در راستای ایجاد عدالت اجتماعی جامعه بسیار موثر باشد. تحقق این موضوع مستلزم اتخاذ یک سیاست راهبردی برای تبیین چگونگی فرهنگ سازی مناسب از سوی نظام حکمرانی در گسترش امر خیر و همچنین اصلاح ساختارهای اجرایی در جامعه است. برای نیل به این هدف، واکاوی جایگاه زنان به عنوان بخش بزرگی از جامعه که نقش کلیدی در رشد و توسعه آن دارد و بررسی اثر بخشی آنان در عرصه های مختلف تاریخی در حوزه وقف، تاثیر بسزایی دارد.

در این راستا، مقاله حاضر با بررسی منابع موجود و استفاده از ابزار کتابخانه ای به بررسی اثربخشی نظام حکمرانی در مشارکت زنان در عرصه وقف از دوران صفویه تا پهلوی پرداخته و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی عرصه های مختلف فعالیت زنان در حوزه وقف در هر یک از این دوران را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم متاثر از نظام حکمرانی بوده است را بیان نموده است.

واژگان کلیدی: نظام حکمرانی، وقف، اثربخشی، بانوان

مقدمه:

پیشینه تاریخی نیکوکاری و کار خیر به آغاز خلقت بشر بازمی گردد. مفهوم خیر و شر از مفاهیمی هستند که از همان ابتدای زندگی برای انسان معنا می شوند (اخوت، ۱۳۹۳، ص ۱۱) و در این رابطه متقابل، همواره عده ای نیازمند کمک و عده ای مشتاق به حمایت از همون خویش بوده اند. از این رو کمک به همون، دستگیری از نیازمندان، تعاون، اطعام فقرا، سرپرستی یتیمان و دیگر اموری که به عنوان

* معاونت پژوهشی پژوهشکده آلاء، مدرس دانشگاه اصفهان

[□] رییس پژوهشکده آلاء، مدیرعامل بنیاد آلاء، هیات علمی دانشکده معارف اهل بیت (ع) دانشگاه اصفهان

فعالیت‌های نیکوکارانه و خیرخواهانه شناخته می‌شوند، امری عقلی و فطری است. به عبارت دیگر تمایل به نیکی و خیر در فطرت و سرشت انسان نهادینه است در نتیجه همانند سایر نیازهای فطری بشر نیاز به پاسخ متناسب دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۵)

در اسلام یکی از راه‌های تحقق بخشیدن به این نیازها و اهداف خیرخواهانه نهاد وقف است. نهادی که گسترش آن از یک سو سبب تعدیل و توزیع ثروت و از سوی دیگر موجب از بین رفتن نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه می‌گردد و می‌توان ادعا نمود سنت حسنه وقف پشتوانه اقتصادی اهداف بلند انسانی است که در طول تاریخ با توجه به سطح زندگی مردم برای رشد فرهنگ و دانش بشری تأثیر بسیاری داشته است، زیرا وقف سابقه دیرینه در تاریخ تمدن بشر دارد و تنها مخصوص اسلام و فقه و حقوق کشورهای اسلامی و ایران نیست و نهادهای مشابه آن در تمام ادیان و حقوق سایر کشورها مشاهده می‌شود.

در طول تاریخ اغلب این گونه بوده است که مردم نیکوکار بخشی از اموال و مستغلات خود مانند زمین، خانه، باغ و غیره را از مالکیت خود خارج و منافع آن را برای اهداف خیرخواهانه متناسب با نیازهای جامعه اختصاص می‌دادند. تأسیس بیمارستانها، مدارس علمی، مراکز فرهنگی و مساجد بر اساس وقف بیانگراین ادعاست. (طباطبایی و بهار ؛ ۱۳۹۵، ۲)

از آنجا که توسعه و گسترش نیکوکاری به ویژه نهاد وقف از سوی افراد و سازمان های یک جامعه متکی به دو تلاش همزمان یعنی ۱- اصلاح ساختارهای اجرایی، ۲- تشویق و ترغیب انگیزه های درونی افراد تصمیم گیر است و اقدام عملی امر خیر باید به صورت داوطلبانه و با انگیزه درونی افراد شروع شود، به طور منطقی تحقق این موضوع مستلزم اتخاذ یک سیاست راهبردی برای تبیین چگونگی فرهنگ سازی مناسب از سوی نظام حکمرانی در گسترش امر خیر و همچنین اصلاح ساختارهای اجرایی در جامعه است. نظام حکمرانی علاوه بر نقش مستقیمی که از رهگذر فعالیت‌های سازمان های فرهنگی و آموزشی خود در تغییر و تحولات لایه‌های مختلف فرهنگ یعنی اعتقادات، ارزشها، الگوهای رفتاری و نمادها و مصنوعات جامعه ایفا می‌کنند، به صورت ناخودآگاه از مسیر عملکرد سیاستها، سازوکارها و اقدامات سیاسی، اقتصادی، نظامی، بهداشتی، درمانی و غیره در تحولات و روند اشاعه فرهنگ نیکوکاری تاثیر دارد. این امر در طیف های مختلف اجتماع از جمله زنان به عنوان یکی از مهم ترین بسترسازان فرهنگ جامعه تاثیر به سزایی داشته، به گونه ای که در دوران صفویه اوج شکوفایی فعالیت خیرخواهانه زنان به ویژه در عرصه وقف را می‌توان ملاحظه نمود. در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی منابع موجود و استفاده از ابزار کتابخانه ای به بررسی اثربخشی نظام حکمرانی در مشارکت زنان در عرصه وقف در دوران صفویه تا پهلوی با روش توصیفی- تحلیلی پرداخته گردد.

۱- دوران صفویه

در دوران صفویه وقف دوران طلایی خود را به منصفه ظهور گذاشته و گسترش بسیار پیدا نمود و در اصفهان به عنوان پایتخت آن سلسله آثار و ابنیه بسیاری وقف گردید. از مهمترین عوامل ایجاد این دوران طلایی، تلاش حاکمان وقت، در جهت ایجاد آرامش و آسایش سیاسی و اجتماعی، پس از سالها آشوب و نابسامانی و همچنین رونق اقتصاد و بازرگانی در سایه آرامش ایجاد شده بود. این رونق اقتصادی در کشور به ویژه در زمان شاه عباس اول بوده و مورخان اوج قدرت اقتصادی و بازرگانی صفویان را در این دوران (۱۰۳۸-۹۹۶ ه ق) می‌دانند که به دلیل سیاست خاص پادشاه و تلاش وی برای ایجاد کشوری ثروتمند و باشکوه بود. (فلسفی، ۱۳۵۷، ج ۵، ۲۲۷)

تاثیر این شرایط بهینه به همراه اقبال پادشاهان صفوی به نهاد وقف، زمینه ساز شکوفایی و رشد سریع این نهاد در این دوران گردید به گونه ای که در این زمان پادشاهان صفوی به عنوان پیشگامان عرصه وقف در راس کسانی قرار داشتند که در این راه فعالیت می نمودند و بسیاری از املاک را وقف مقاصد خیریه به خصوص بقاع متبرکه شیعه و از همه بالاتر آستانه امام رضا (ع) در مشهد و خواهر شان

حضرت معصومه در قم کردند (لمبتون، ۱۳۷۷، ۲۲۴). شاخص ترین پادشاه صفوی در عرصه وقف، شاه عباس اول بود که در سال ۱۰۱۶ ه.ق کل املاک خاصه خود را وقف چهارده معصوم و با همین نام نمود (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷، ۷۳-۷۴) که خود سرمشق امرا و بزرگان و در کنار آن، زنان دربار گردید به گونه ای که فرهنگ وقف در این دوران رواج یافته و موقوفات بسیاری ایجاد گردید. با توجه به این شرایط و ازدیاد موقوفات، دولت صفوی برای اثربخشی بهتر موقوفات و جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی، تمهیداتی را برای ساماندهی و اداره موقوفات پیش بینی و ایجاد نمود که تاثیر بسیاری در اشاعه و اثربخشی موقوفات بر جای گذارد به گونه ای که دوران صفوی به عصر کم نظیر اشاعه وقف مبدل گردید. از نوآوریهای این دوره، تعریف و ایجاد منصبی به نام صدر می باشد که تاثیر بسیار در نظم دهی و اثربخشی موقوفات ایفا نموده است. صدر، مهمترین منصب مذهبی در دوران صفوی بود که به اداره املاک، اموال و مباشران اوقاف و توزیع درآمد آنها میان علما، سادات، طلاب و فقرا پرداخته و بر مقامات قضایی محاکم مذهبی نیز ریاست می نمود. وی جزئی از تشکیلات سیاسی و نظامی صفویه بوده حتی در لشکر کشی ها نیز شرکت می نمود. صدرها در راس تشکیلات اوقاف دولت صفوی به عنوان قضات شرعی مسئول رسیدگی به مسایل مالی از جمله پرداخت مستمری و حقوق به کلیه کارکنان قضایی رده پایین مثل مدرسین، ملاها و کارگزاران پایین قضایی... از طریق نهاد وقف بودند که این رسیدگی به وضع معیشتی تاثیر خوبی در گسترش فرهنگ وقف داشت (امراهی، ۱۳۹۱، ۳۰-۳۱) و از سوی دیگر موظف به ترویج دین با استفاده از منابع مالی در دستشان بودند که با توجه به این موقعیت تاثیر به سزایی در جهت اعتلای فرهنگ وقف نموده (احمدی، ۱۳۸۰، ۳۲) به لحاظ اعتماد اجتماعی، صدرها را در موقعیت ویژه ای قرار می داد. کمپفر در خصوص جایگاه صدور این طور بیان می نمود:

" صدر در راس روحانیون ایران قرار دارد. وی نزد ایرانیان همان مقامی را داراست که مفتی اعظم نزد ترکان، همچنین وی دارای مقام عالی دولتی نیز می باشد... مردم کوچه و بازار وی را نایب شاه دانسته و به او نواب می گویند و دعاوی حقوقی مطروحه در حضورش را خالی از اشتباه و طبق موازین عدل می دانند. بیشترین حوزه فعالیت وی، مصرف موقوفات یا وجوه وقفی در محل مناسب می باشد" (کمپفر، ۱۳۵۰، ۱۲۱)

صدور از طریق مباشران اوقاف تفویضی، متولیان، وزرای اوقاف، نظار، مستوفیان و سایر کارکنان موقوفات بر کل موقوفات کشور نظارت داشته و آن را اداره می نمودند (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ۲) که وجود این ساز و کارها علاوه بر ساماندهی و ممانعت از سوءاستفاده از این نهاد قدرتمند، با گسترش و نمایش آثار این نهاد در اقشار مختلف جامعه، زمینه ساز حضور اقشار مختلف جامعه (به ویژه طبقه بالا) و رای جنسیتشان در این سنت خداپسندانه گردید و این فرهنگ به اندرون قصرهای ایشان و فضای جامعه نیز تسری یافت. نمود این مطلب را می توان در موقوفات زنان نزدیک ایشان مشاهده نمود.

زنان اشراف و ثروتمند صفوی، متاثر از عملکرد نظام حکمرانی وقت در انجام وقف، اموال بسیاری در کارهای گوناگون وقف کرده و در این زمان مدارس، بیمارستانها و کاروانسراهای بسیاری ساخته و برای هر یک موقوفات بسیاری قرار داده شد. همچنین افراد بسیاری امالک و مستغلات خود را برای مراسم عزاداری، مزارات شریفه و اماکن مقدسه و حتی بر مسافران عتبات وقف کردند. علاوه بر اینها ورود خیرین از جمله بانوان خیر در جهت حل مسایل و مشکلات جامعه همچون مسائل کوچکی چون روشنایی معابر شهر، دستگیری از فقرا، بیماران، در راه ماندگان و حتی حیوانات علیل بسیار چشمگیر است که خود زمینه ارتقا رفاه اجتماعی و شهروندی را به همراه داشت.

به بیان دیگر فرهنگ وقف، در دوره های مختلف تاریخی از جمله سلجوقیان، مغولان، صفویه، قاجاریه، پهلوی و نیز تا زمان ما به صورت های گوناگون ادامه داشته است، ولیکن با توجه به اهمیت دوره های تاریخی در تعیین طبقه زنان واقف و با توجه به منابع موجود دیده می شود که در دوران صفوی، حضور زنان واقف بسیار چشمگیر و اثر گذار بوده و تنها در اصفهان، بیش از ۵۷ وقف نامه از

دوره صفوی در بایگانی اداره اوقاف این شهر وجود دارند که در میان آن ها ۱۷ وقف نامه از سوی بانوان خیر (احمدی، ۱۳۸۳، ۲۰) تنظیم شده اند. در واقع یک سوم از وقف های که در این دوره صورت گرفته را موقوفات زنان به خود اختصاص داده است. این موضوع توسط برخی سفرای خارجی حاضر در ایران بیان گردیده از جمله فیگوئرا سفیر اعزامی اسپانیا به دربار شاه عباس اول (خشنودی، ۱۳۹۰، ۱۱۲)، زنان ثروتمند عصر صفوی را در کارهای خیر و عام المنفعه از مردان دست و دلباز تر می دانسته و ساخت بسیاری از کاروانسراها و ساختمان های عام المنفعه از صدقات زنان را بیان می دارد.

در این دوره زنان طبقه بالای اجتماع به عنوان مثال مادر و همسر شاه و زنان تجار متأثر از فرهنگ گسترش یافته توسط نظام حکمرانی وقت، با اهداف متفاوت به انجام این عمل خدای سندانیه پرداخته و به مرور زمان با تغییر فضای اقتصادی - سیاسی جامعه، تغییر نوع مالکیت در ایران، تقسیم اراضی و تغییر اجتماعی قانون ارث، زنان از اقشار و طبقات مختلف نیز به آنان پیوستند. (احمدی، ۱۳۸۳، ۲۰)

با وجودی که در این دوران حضور زنان متمول در عرصه وقف چشمگیر است ولیکن به دلیل شرایط برخاسته از نظام حکمرانی آن دوران، حضور هرچند کم رنگ زنان عشایر، روستایی و کم توان مالی نیز در عرصه نیکوکاری دیده می شود. در این زمان مردم کشور به سه شکل، عشایر (۳۵-۴۵ درصد بسته به زمان)، روستائین (۴۵-۵۵ درصد بسته به زمان) و شهرنشین (۵-۱۵ درصد بسته به زمان) تقسیم می گشتند نقش زنان در فضای خانواده به عنوان نیروی تولید پررنگ بوده و در عرصه دامداری، کشاورزی، صنایع دستی و ... مشارکت فعال داشتند. در روستاها و ایلات برخلاف شهرها که وظایف زنان بیشتر در فضای اندرونی تعریف می شد (که البته شهرها جمعیت کمی از جامعه را در بر می گرفت) محدودیت برای زن وجود نداشته و حضور وی در عرصه های مختلف زندگی، حیاتی و ضروری بود و ساخت خانواده و اداره آن تحت این روابط قلمداد می گردید. (فوران، ۱۳۸۶، ۹۱)

ولذا زنان عصر صفوی در اقشار مختلف، به فعالیت هر چند کوچک در حوزه های گوناگون نیکوکاری به ویژه وقف که توسط بالاترین مقام کشور و اطرافیان وی انجام و هدایت می گردید می پرداختند (که تا قبل از آن بین زنان، بسیار کم رنگ بود) و برخی از زنان حتی اگر شده با وقفی کوچک مثلاً یک سنگاب سعی در حضور در این عرصه داشتند. زنان قشرهای پایین جامعه چندان نمی توانستند املاک و مستغلات وقف کنند، بدین ترتیب گستره کنش های نیکوکارانه آنان بیش تر به نذرهای ماندگار، غذا، خرما، حلوا و شربت در مراسم آیینی همچون محرم محدود می شد.

موقوفات زنان صفوی دارای کارکردهای متعددی می باشد که از جمله این کارکردها می توان به علمی-آموزشی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اشاره نمود. بیشترین مصارف موقوفات بانوان جهت مدارس علمیه طلاب می باشد بعد از آن موقوفاتی که مورد مصرفشان عتبات عالیات، اماکن متبرکه و روضه خوانی بوده و همچنین موقوفاتی هم جهت اولاد، قرائت قرآن، احداث مسجد، کمک به فقراء در زمره موقوفات زنان در این دوره قرار دارند.

فرهنگ وقف بانوان در این زمان به دو شکل مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر نظام حکمرانی شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول بود. به بیان دیگر علاوه بر تاثیر مستقیم شاهان وقت در ترویج این موضوع به طور غیر مستقیم فضای حاکم بر جامعه زنان که منبعت از نظام حکمرانی وقت بود در این عرصه تاثیر گذارد.

با توجه به مباحث فوق می توان گفت با وجود تمایل و حضور زنان ایرانی در آیین وقف در همه اعصار، اما از روزگار صفوی بدین سو، اسناد بیش تری در این خصوص بر جای مانده است که در اشکال مختلفی بروز می یابد که برخی از آنها اشاره می گردد.

۱-۱- وقف مراکز علمی

ساخت و توسعه مدارس در ایران، توسط نظام الملک وزیر سلسله سلجوقیان و با ساخت مدارس نظامیه در پاره ای از شهرها به عنوان امری ضروری برای جامعه مطرح گردید ولیکن پس از حمله مغول این امر به شدت سیر نزولی داشته و حتی بسیاری از مدارس موجود نیز تخریب گردید. این سیر توسط خواجه رشید الدین فضل الله همدانی با ساخت ربع رشیدی در زمان مسلمان شدن ایلخانان مجدداً احیا گردید ولیکن در این اعصار حضور زنان بسیار ناچیز می باشد که متأثر از شرایط فرهنگی و حکمرانی آن دوران می باشد (احمدی، ۱۳۸۰، ۶۲).

دوران صفوی دوران تغییرات شگرف در این موضوع به ویژه حضور پررنگ زنان در این عرصه است. در این دوران ساخت مراکز علمی توسط واقفان زن بسیار چشمگیر می باشد و نکته حایز اهمیت توجه به شرایط مدارس احداثی که از دیدی زنانه و جزئی نگر نشات می گیرد. و سعت این مدارس، زیبایی و تهیه امکانات رفاهی برای مدر سین و محصلین در این مکان ها می باشد که در قالب برخی وقف نامه های ضمیمه مدارس جهت تهیه آب آشامیدنی مناسب، تامین رو شنایی حجرات و راهروها، تاسیسات بهداشتی مدارس، وقف مکان های تجاری و درآمد زا جهت تامین هزینه ها و مواردی از این قبیل توسط بانوان برمی گردد.

برخی از آنان بخشی از داخل مدرسه را با خواندن صیغه مجزا تبدیل به مسجد نموده و یا در جنب مدرسه برخی بناهای مورد نیاز همچون مدرسه، سقاخانه، آب انبار و حتی غسالخانه جهت استفاده طلاب و عموم مردم را پیش بینی می نمودند. (احمدی، ۱۳۸۰، ۵۱)

ساخت این مراکز با این خصوصیات، بسیار هزینه بر بوده و تنها از قشر متمول برمی آمده است که با انگیزه های مختلف همچون اجر معنوی، افزایش مراکز تولید و نشر علم و طلاب علوم دینی، هم نوایی با مردان و حتی در برخی موارد چشم و هم چشمیهای زنانه، انگیزه های اقتصادی همچون ممانعت از مصادره و یا تکه تکه شدن اموال و یا با انگیزه های سیاسی انجام می شده است ولیکن سوای اهداف واقف، تاثیر بسزایی در فضای علمی کشور ایجاد نموده است.

از بانوان اشراف زاده این دوران که به امور وقف مشغول بود می توان از زنی به نام "حوری خانم" جده شاه عباس دوم یاد کرد که در سال ۱۰۵۷ ه.ق مدرسه ای مشهور به نام "جده بزرگ" در همان اصفهان که پایتخت صفویان بود تاسیس کرده است (احمدی، ۱۳۷۶، ۹۹-۱۰۳) که از مدارس بزرگ آن زمان بوده است.

از دیگر زنان مقتدر صفوی که موقوفاتی از خود برجای گذاشته است مادر سلطان حسین صفوی آخرین پادشاه این سلسله است که معروف به مدرسه مادر شاه (مدرسه چهار باغ) است این نهاد آموزشی اگرچه به نامهای «چهار باغ» و «سلطانی» نیز نامیده شده، اما به دلیل پشتوانه های بسیار مهم و قابل اعتنایی که مادر سلطان حسین صفوی برای این مدرسه مقرر کرده، به مدرسه مادر شاه هم معروف گردیده است. (خشنودی، ۱۳۹۲، ۵۳) و هنوز هم فعال می باشد.

مریم بیگم یکی دیگر از بانوان خیر و انسان دوست در عصر صفوی است. وی دختر شاه صفی جانشین شاه عباس اول است (ریاحی، ۱۳۷۵، ۲۵۲) تا سیس مدرسه و مسجد مریم بیگم از موقوفات ایشان می باشد. این بانو علاوه بر موارد مذکور موقوفات بسیاری برای آبادانی شهر و رفاه طلاب حوزه های علمیه معین کرد (رجبی، ۱۳۷۴، ۲۱۵) مریم بیگم به علما، دانشمندان و آثار آنان ارج می نهاد و برای رشد و ارتقا آن می کوشید و این امر زمینه نگارش کتابی به عنوان شرح ادعیه الاسر توسط محمد بن حسنعلی بن ملا عبدالله شوشتری به جهت ایشان گردید. (عقیق بخشایشی و همکاران، ۱۳۸۲، ۷۵۷)

۱-۲- وقف مراکز رفاهی

از جمله موقوفات دوره صفوی وقف مراکز مرتبط با رفاه مردم همچون کاروانسراها، راهها، حمام، و پل ها می باشد. ساخت راهها و کاروانسرا از جمله دغدغه های پادشاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول بود. علت آن توجه به ایجاد خطوط ارتباطی منظم و امن جهت ارتباط بین نقاط مختلف کشور به ویژه اماکن مذهبی و در افق کلی دسترسی آسان به نقاط مختلف کشور و فراهم ساختن آسایش مردم بوده است. زیرا ارتباط منظم و مستمر بدون فراهم ساختن و سایل آن که یکی از مهمترین اسباب آن یعنی راه و جاده های مناسب و همچنین محل استراحت بین راهی است امکانپذیر نبوده است.

ولذا حاکمان صفوی به ویژه شاه عباس اول، به ایجاد تاسیسات میان راهی در قالب کاروانسراها توسط حاکمان همت کرده، زمینه ای برای ورود افراد نیکوکار به این عرصه را فراهم ساختند. از دیگر زمینه های مورد توجه در این زمان ساخت حمام های عمومی در سطح شهر به دلیل فقدان آن در منازل و نیاز افراد به شستشو، تطهیر و غسل که از مناسبات دینی است می باشد که عرصه ورود واقفین را مهیا می سازد. (صداقت کیش، ۱۳۸۶، ۵۳)

یکی از مهم ترین زنان واقف عصر صفوی که به این زمینه ورود نمود زینب بیگم چهارمین دختر شاه طهماسب اول صفوی، عمه شاه عباس اول و مقتدرترین زن خاندان دربار او بود. این خانم، بناها، راهها، پل ها، کاروانسراها و بیمارستان های متعددی از خود به جای گذاشت و از آن جمله کاروانسرای در راه قزوین به ساوه ساخت که به "کاروانسرای بیگم" معروف بود. علاوه بر آن حمام سه سوق نیز در اصفهان توسط این زن وقف شده بود. (احمدی، ۱۳۷۶، ۹۹-۱۰۳)

سفیر اسپانیا نیز در سفرنامه اش به کاروانسرای که توسط خیر النساء بیگم مادر شاه عباس ساخته شده است اشاره می کند و آن را بزرگترین منزلگاهی معرفی می می کند که در طول سفرش دیده است. (امراهی، ۱۳۹۱، ۸۴)

۱-۳- وقف بر اولاد

ترویج فرهنگ وقف در صفویه که به گونه ای متأثر از پادشاهان و بزرگان آن بود زمینه ساز عرصه های استفاده نوین از این نهاد قدرتمند گردید. از جمله، موقوفات زنان به شکل وقف بر اولاد می باشد. به این معنی که ملک یا دارایی فرد به شکل وقف برای فرزندش ابقا و به گونه ای دارای تقدس می شد و به این گونه از دستبرد دیگران و حتی از مصادره دولت مصون می گردید و یا در مواردی وقف بر فرزندان دختر در تقابل با رسم موقوفه اولادی یا موقوفه غلامی که موقوفه را مختص پسران و اطفال ذکور قرار می داد زمینه استفاده بهینه آنان از اموال والدین را فراهم می ساخت.

از زنانی که به این عرصه وارد گردیدند خانم خیر النساء بود که بخشی از اموال خود را وقف دخترش بدر جهان خانم نمود و از او خواسته بود که بخشی از درآمد موقوفه را در شب جمعه به فقرا و قاریان قرآن و همچنین برای خیرات و اطعام مساکین صرف نماید و یا در سال ۱۰۸۳ ه ق دده خاتون از اندرون شاهی، املاک خویش را به دختر خویش رضیه خاتون و در صورت انقراض اولاد او بر مستحقین شیعه وقف نمود. (امراهی، ۱۳۹۱، ۸۶-۸۷)

۱-۴- وقف اماکن مذهبی و یا مرمت آن

ساخت و نگهداری اماکن مذهبی و زیارتگاهها همچون قبور ائمه، امامزادگان و مساجد، از جمله کارهایی است که بسیار مورد توجه و احترام شیعیان می باشد ولیکن در برخی دوران ها این اعمال دچار افول گردیده است. به عنوان مثال در زمان حکومت پادشاهان اهل تسنن در ایران، ساخت و نگهداری قبور ائمه یا امامزادگان کم رنگ گردیده است و بالعکس در دوران صفوی به دلیل اقبال پادشاهان صفوی به تشیع توجه ویژه ای را به خود داشته است. پادشاهان صفوی با اهداف متفاوت که بعضا مثبت و برخی نیز منفی بود، بر این

امر همت گمارده و تا حدی که توانستند برای شکوه و جلال آن اضافه کردند. در این دوران مردم نیز با پیروی از ندای فطرت و تاسی از روند حاکمان وقت به بازسازی و مرمت این گونه مکان ها پرداخته و با وقف اموال، بقای آن را تضمین نمودند. این امر زمینه ورود زنان واقف را نیز فراهم نمود و ساخت اماکن مذهبی همچون مساجد و زیارتگاهها و مرمت آنها توسط بانوان در این زمان قابل مشاهده است؛ به عنوان مثال خانم صاحب سلطان بیگم در دوره شاه سلیمان صفوی به ساخت مسجد ایلچی در اصفهان پرداخته است (هنرفر، ۱۳۵۰، ۶۴۳)

۱-۵- وقف برای انجام مراسم مذهبی

دوران صفویه یکی از دوره های تاثیر گذار بر انجام مراسم های مذهبی بوده است به گونه ای که برخلاف برخی دوران قبل و بعد که حکام، این مراسم ها را ممنوع اعلام می نمودند، سیاست پادشاهان صفوی با دین آمیخته بوده و بسیار مشتاق به نشان دادن اعتقادات خود در انظار عمومی بودند. (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ۸۲) ایشان اساساً یکی از موارد وقف را بر انجام این مراسم ها همچون مراسم روضه خوانی برای ائمه و پذیرایی از حضار، برگزاری مراسم اعیاد، یا وقف برای مسافران کربلا و عتبات قرار داده بودند. (جعفریان، ۱۳۷۱، ۱۶۲۰-۱۶۲۹)

زنان ایرانی نیز با توجه به علاقه فطری خود به انجام این گونه مراسم ها و تحت تاثیر جو حاکم بر جامعه برخاسته از سیاست پادشاهان در جهت ترویج این موضوع، انجام این مراسم ها و رونق آن رامورد توجه ویژه قرار داده و صرف هزینه هایی در قالب وقف به مراسم شادی در اعیاد و یا عزاداری در ایام شهادت معصومین به ویژه ماههای محرم و صفر پرداخته و به دلیل امکان هزینه کردن به اشکال مختلف همچون کمک جسمی و کمک نقدی در مبالغ مختلف زمینه حضور طیف های مختلف زنان جامعه به لحاظ اقتصادی فراهم گردید.

۲- دوران صفویه تا قاجار

در حد فاصل انقراض حکومت صفوی تا روی کار آمدن قاجار نهاد وقف در ایران سیر نزولی را در پیش گرفت به گونه ای که به طور مثال در دوران افشاریه نهاد وقف تا حدودی متوقف گردید. نادرشاه در سال آخر حکومت خود طی فرمانی اوقاف را از مردم گرفت و بدین ترتیب بسیاری از زمین های وقفی که در دوره سلطان حسین قسمت قابل توجهی از کل زمین ها را تشکیل می داد به اداره کنندگان زمین های دولتی واگذار گردید تا درآمد آنها صرف نگهداری قشون شود. در نتیجه صدور این فرمان عده زیادی از اوقاف را از مردم گرفته و آنها را به انضمام املاک خالصه در دفاتر ثبت اراضی که پس از آن به رقبات نادری معروف شد وارد کردند (لمبتون، ۱۳۷۷، ۲۵۴-۲۵۵)

با توجه به شرایط حکمرانی در حدفاصل صفویه تا قاجار، موقوفات زنان نیز افت شدیدی داشته و موارد اندکی گزارش گردیده است که با اشکال مختلف وقف در دوران صفوی تفاوت دارد و می توان به وقف عصمت خانم از زنان خراسان در دوره حکومت افشاریان نام برد که اموالی برای رد مظالم بر اساس آیین وقف به یادگار گذارده است. (امامی و همکاران، ۱۳۹۸)

با به روی کار آمدن حکومت تیموری در قرن نهم هجری و تغییر رویکرد فکری آنان نسبت به زن، زنان به تدریج جایگاه خود را بدست آوردند. نفوذ زنان در دربار تیمور و فرزندانش به گونه ای بود که میتوانستند در مسائل مهم حکومت دخالت کنند. این تغییرات در مسائل اجتماعی و حضور زنان در عرصه وقف و اشکال آن نیز تاثیر گذار بود که در ذیل به اختصار بیان می گردد.

۲-۱ وقف بناهای عام المنفعه

در دوران تیموری بانوان در پیشرفت معماری و در ساختن بناهای عام المنفعه نقش بسزایی داشتند. یکی از منابع درآمد در دوره های مختلف اسلامی به ویژه عصر تیموری وقف است. تشویق و حمایت تیموریان همچنین ثروت سرشار حاکمان آن دوره امکان انجام امور وقفی بسیاری را به وجود می آورد. از اوقافات و وسیع در این دوره میتوان ساخت بناهایی چون مساجد، مدارس و بناهای جدید دیگر با شاخصه های معماری محلی را بیان نمود.

در میان هم سران حکمرانان، گوهر شاد آغا هم سر شاهرخ تیموری از پیشاهنگان کارهای عام المنفعه به شمار می آید. او در نخستین سال های سده نهم هجری دستور داد دارالحفاظ، دارالتوحید و دارالاضیافه، درون حرم امام رضا (ع) ساخته شود تا زایران جایی برای خوردن غذا، استراحت و خواندن قرآن و انجام پرستش و پاسخی دینی داشته باشند. از موقوفات معروف وی مسجد گوهر شاد واقع در آستان مقدس علی بن موسی الرضا (ع) می باشد که وی با فروش گردنبندها و الماسی هزینه آن را پرداخت نمود. همچنین دو مسجد، یکی در نزدیکی حرم و دیگری در هرات ساخت و مستغلاتی برای برآوردن هزینه های آن مسجدها وقف کرد. (ایزدی، ۱۳۹۴، ۱)

بی بی فاطمه خاتون ملقب به سستی فاطمه از بانوان نیکوکار قرن نهم هجری در یزد، خواهر گوهر شاد خاتون هم سر شاهرخ تیموری بود و این نسبت خانوادگی بر اقتدار وی به عنوان یک مشاور امین در رونق یزد به همراهی همسرش افزود. سستی فاطمه همچون خواهرش بناهای عام المنفعه بسیاری ساخت. از وقفیات او میتوان مسجد جامع امیرچقماق، خانقاه، آب انبار، نهر آب و حفر چاه آب سرد را نام برد.

۳- دوران قاجار

در دوره قاجار با تغییر نظام حاکمیتی و رویکرد آن به تجددخواهی و نوگرایی، نظام اجتماعی- فرهنگی در جامعه تغییراتی یافت و از جمله، نهاد وقف به لحاظ مفهومی، نهادی و مدنی بازتعریف گردید. در این دوران نظام حکمرانی متأثر از پادشاهان قاجار در همه عرصه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی زمینه ساز تحولات بسیار گردید که به عنوان مثال عرصه وقف، موقوفات و واقفان و بالتبع واقفان زن را هم دربر گرفت.

تأثیر سیاست های حکومت در تحت نفوذ قرار دادن موقوفات از یک سو و تغییرات فکری کنشگران عرصه وقف من جمله زنان از سوی دیگر زمینه ساز ظهور رویکردی جدید از سوی واقفان در این دوره بود. از جمله تغییرات نهاد وقف در این مقطع زمانی، حضور واقفان زن از طبقه متوسط و حتی پایین جامعه بود که برخلاف دوران صفوی از انحصار زنان متمول و درباری خارج و بستر مناسبی برای مشارکت زنان اقشار مختلف فراهم می نماید به گونه ای که تعداد بسیاری از موقوفات در این زمان به نام زنان ثبت گردیده است. (افرافر، ۱۳۹۵، ۱۳)

این موضوع در پایتخت حاکمیت قاجار به خوبی نمایان است. در فهرست راهنمای وقفنامه های استان تهران که بیشتر مربوط به دوران قاجار است، ۱۱۶۰ مدخل وجود دارد که نزدیک به ۱۷۰ مورد آن یعنی حدود ۱۵ درصد آن به نام زنان ثبت شده است (یادگار وقف، ج ۱)

در این دوران پیرامون فعالیتهای اقتصادی زنان و بالتبع موقوفات آنان، اطلاعات ناچیزی در اختیار است، اما اسناد باقیمانده وقف مبین احتمال اداره املاک زنان، به وسیله خود آنهاست. همه زنان واقف، خود حق اداره امور وقف شخصی خود را در زمان حیات داشتند و هیچ کدام متولی یا نماینده و کارگزار مذکری را انتخاب نکرده بودند. گرچه زنان برای جمع آوری اجاره و توزیع روزانه ی آن نیاز به افرادی امین داشتند، اما هیچ یک بازرسی نهایی موقوفات را به فرد دیگری واگذار نمودند. همچنین برای قوت بخشیدن به بعد خیریه موقوفه، از حقوق ثابتی که معمولاً برای متولی در نظر گرفته میشد نیز چشم پوشی می کردند. از جمله این زنان می توان به هاجر

خاتون خانم و حاجیه شرف نسا خاتون که از خانواده اشراف و ملاکین بوده و در عرصه خیر فعالیت بسیار داشتند اشاره نمود (ورنر ، ۱۳۷۸، ۱۱۵-۱۲۰)

۳-۱- وقف زمین

در این زمان بیشتر املاکی که وقف میشد عبارت از دکانها و یا سایر انواع املاک نظیر قطعاتی از زمین یا بخشهایی از روستاها بود و به همین نسبت هم مورد استفاده آنها محدود بود. کاربرد عمده ی موقوفات، شامل ساختن مجموعه های بزرگ مانند مدارس یا مساجد نبود بلکه از یک سو بیشتر بنا به دلایل خیرخواهانه با تأکید بر فعالیتهای همسایگی، مثل کمک به فقرا یا برنامه های تعزیه داری، و از سوی دیگر مبتنی بر اهداف اقتصادی یا خصوصی، برای تضمین بقای حیات نسلهای آتی بنیانگذار وقف، صورت میگرفت. افزون بر زنان اشراف درباری، دیگر زنان ثروتمند نیز در دوره قاجار، به انجام کارهای نیکو شیفتگی بسیار داشتند.

برای نمونه، حاجیه هاجر خاتون خانم، حاجیه شرف نسا خانم و حاجیه سارا سلطان خانم، از زنان تهرانی دوره قاجار بودند که املاک و مستغلاتی وقف کردند. نام و عنوان این زنان نشان می دهد همگی از طبقه مرفه و برخوردار تهران آن روزگار بوده اند؛ هاجر خاتون خانم ملقب به جدیدالاسلام همسر حاج محسن بازرگان تهرانی و حاجیه خاتون خانم که به حاجی وزیر هم آوازه داشت، دختر فردی اشرافی به نام اسماعیل بیگ بود؛ همینگونه دخترش حاجیه سارا سلطان خانم همسر محمد ابراهیم نواب بدایع نگار معروف و حاجیه شرف نسا خاتون نیز دختر حاجی گرگین بیگ زمین دار معروف بود. زنان نام برده در وقف نامه های خود املاک و دکان هایی برای برآوردن هزینه های عزاداری و دیگر کارهای خیر اختصاص داده بودند. (امامی و همکاران ، ۱۳۹۸)

۳-۲- وقف امور مذهبی

امور مذهبی به ویژه برپایی مراسم عزاداری برای امام حسین و دیگر امامان معصوم ، از امور مورد توجه زنان واقف در دوران قاجار می باشد که با توجه به ممنوعیت حاکمیت وقت ، معمولاً به طور پنهانی در کنار دیگر اعمال خیرخواهانه به آن می پرداختند و در مطالب فوق هم به آن اشاره گردید . علاوه بر آن انجام امور مرتبط با مسایل دینی و عقیدتی از دیگر فعالیت های خیرخواهانه زنان در این دوران به شمار می آید.

از زنان شاخص این دوره که در این امور فعالیت داشتند انیس الدوله همسر و سوگلی ناصرالدین شاه می باشد. ایشان در میان زنان عصر قجر در اجرای سنت وقف برای خود جایگاهی دارد . او که در عرصه اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی دوره خودش بسیار تاثیر گذار بوده است اولین زنی است که توانست از ناصرالدین شاه "تمثال شاه" و "نشان حمایل آفتاب" را به عنوان هدیه دریافت کند. موقوفات این زن مقتدر قجری شامل وقف جیقه الماس به حرم امیر المومنین (ع) ، پرده مروارید به آستان ابا عبدالله (ع) ، نیم تاج الماس به آستان مقدس امام رضا (ع) است . همچنین وی هزینه های تعمیرات نقره و طلاکوب مسجد گوهرشاد مشهد را برعهده گرفت و ده باب مغازه در مشهد برای روضه خوانی در حرم امام رضا (ع) وقف کرد. ساخت ضریح نقره برای شهیدان کربلا، ساخت بقعه و گنبد برای امام زاده شاهزاده حسین کاشانک و چاپ و پخش رایگان مجلد مربوط به زندگانی حضرت فاطمه (س) از کتاب نسخ التواریخ، از دیگر کارهای نیک انیس الدوله به شمار می آید. (دبیر سیاقی ، ۱۳۸۴، ۲۱-۲۲)

از دیگر زنان معروف دوره قاجار که به سنت وقف پایبند بودند می توان به هاجر خاتون خانم ملقب به جدیدالاسلام و حاجیه شرف نسا خاتون اشاره کرد که هر دو این زنان از خانواده اشراف و ملاکین بودند و به القابی چون "علیه جاه" یا "علیا جانب" معروف بودند که نشان از اهمیت و ارزش و جایگاه اجتماعی آنها در دربار قاجار داشته است. ایشان در مجموع ۱۳ دکان را وقف نمودند ولی نکته جالب توجه اولویت مصرف درآمد این موقوفات می باشد که اولین آن استفاده برای عزاداری می باشد که تصریح گردیده منحصر به ایام محرم

و شهادت امام حسین نبوده و برای همه امامان، فرزندان و صحابه ایشان است. در این وقف پرداخت دستمزد روضه خوان ها و، فراهم کردن قهوه، آب و غذای رایگان شرکت کنندگان در جلسه است (ورنر، ۱۳۷۸، ۱۱۸)

۳-۳- وقف مسجد

همان طور که در مطالب فوق بیان گردید در این دوران ساخت مساجد وقف رونق کمتری داشته است ولیکن افرادی به انجام آن مبادرت می نمودند. از آن افراد می توان، جمیله ذوالفقاری نظام الدوله دختر حسین قلی خان از متنفذان زنجان را نام برد که با ارث و مستغلات شخصی، اقدام به ساخت مسجد و مدرسه ای نمود اما پیش از پایان یافتن بناها درگذشت. دخترش قمرتاج خانم به وصیت مادر، کار نیمه پایان را به انجام رساند و در حال حاضر این مدرسه و مسجد در شهر زنجان از آثار دیدنی و بسیار زیبا به شمار می آیند. (امامی و همکاران، ۱۳۹۸)

۴- دوران مشروطه تا پهلوی

انقلاب مشروطیت، نهادهای جدید مثل پارلمان و مجلس شورا، مفاهیم جدید مثل آزادی و برابری، احزاب نوین، حذف استعمار و ایجاد روابط جدید با غرب، پی ریزی آموزش و پرورش نو، پیدایش نهادهای مدنی نوین، حذف مدارس و نظام آموزش سنتی و تأسیس نظام نوین آموزشی را در سطوح مختلف و ایجاد ده ها عنوان نهاد مدنی جدید را به ارمغان آورد. مردم ایران پس از مشروطیت، عطش و نیاز فراوان به مقولات فرهنگی پیدا کردند، صد ها عنوان نشریه راه اندازی شد، مدارس فراوانی تأسیس شد، چاپ و نشر در شهرهای مختلف راه اندازی شد و صدها کتاب منتشر شد، کتابخانه های متعدد تأسیس شد، دانشجویان ممتاز برای ادامه تحصیل به دانشگاههای خارج رفتند، سینما و تئاتر راه اندازی شد، انجمن های فرهنگی متنوع با عنوان های گوناگون تأسیس شد. وضعیت جدید، وقف را بی نصیب نگذاشت و علاوه بر نو سازی مفهومی، نهادی و مدنی وقف، جایگاه جدید برای آن در مناسبات فرهنگی و اجتماعی تعریف شد. (مطبعه چی، ۱۳۸۷)

در این دوران و پس از مشروطه، خدمات اجتماعی، وقف و امور خیریه و سازماندهی آنها به شکل جدیدی در دستور کار دولتمردان قرار گرفت، که ناشی از اقبال و توجه افراد خیر به معضلات اجتماعی و تلاش در جهت رفع آن بود. فعالیت هایی همچون ایجاد گروه هایی برای سازماندهی ایتم، زنان بی سرپرست و .. شکل گرفته و سعی گردید اقشار آسیب دیده را تحت پوشش قرار دهند (طیب نیا و ربانی، ۱۳۹۷، ۴۱) در این دوران به دلیل تغییرات سیاسی- فرهنگی جامعه، زنان در جامعه حضور بیشتری نسبت به قبل یافته و مطالبات حقوقی- اجتماعی آنان با جدیت مطرح شد و در این دوره زنان نه فقط مطبوعات خاص خود را به وجود آوردند، بلکه انجمن هایی تشکیل دادند و در کنفرانسهای معتبر خارجی و داخلی شرکت کردند تا خواسته های خود را مطرح کنند و برای آنها راه حل قانونی بیابند (آبادیان و صفری، ۱۳۹۳، ۲) در این دوران، زنان ثروتمند، متناسب با نیاز و خواست جامعه به گستره کارهای نیک وارد شدند که به برخی از آنان اشاره می شود.

زبور یحییاییان همسر سوم میرزا حسین خان معتمدالملک یحییاییان در سال ۱۳۲۳ قمری باغ و عمارت همسر را برای ساخت بیمارستان وقف کرد؛ این موقوفه امروزه بیمارستان شفایحییاییان نام دارد. ملک تاج خانم، مادر محمد مصدق، بیمارستان نجمیه را در خرداد ۱۳۰۴ خورشیدی ساخت. این بیمارستان در آغاز کار بر اساس وقف نامه، حیاط، آشپزخانه، رخت شور، حیات خلوت و کاروانسرا داشته است. ساخت و وقف مدرسه های علمیه در ایران با برآمدن حکومت پهلوی با توجه به سیاست های ویژه کارگزاران آن دولت، به زوال رونهاد. دولت با تصویب قانون موقوفه ها در سال ۱۳۱۳ خورشیدی امکان و نیرویی بیش تر برای اداره موقوفه ها یافت. وقف نهادهای

نوبین آموزشی اما در دوره پهلوی رواج یافت. اینگونه موقوفه‌ها در قالب بنیادهای خیریه نمایان شدند.^۱ با آغاز حکومت پهلوی و سلطنت رضاشاه، بر مبنای سیاست حاکمیت که تمرکز و توجه خاص آن به ایرانی بودن و ساختن ایران نوبین بود، برای به اصطلاح زدودن فقر و بیماری از چهره ایران، به‌عنوان دستاورد این سیاست‌ها انگیزه‌های جدیدی ایجاد شد که با آنچه به‌عنوان دستاورد مشروطه به‌رشد اجتماعی مردم و تشکیل موسسات خیریه انجامید، تفاوت داشت. در این زمان تشکیل موسسات خیریه و عام‌المنفعه وابسته به دولت یا تحت نظارت آن توسط دولت و به‌عنوان وظیفه‌ای حکومتی معنا یافت. در واقع اقدامات خیریه‌ای که در این زمان با ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی انجام می‌شد، ضمن تاکید بر مولفه‌هایی مانند وطن و هموطن که پس از انقلاب مشروطه برای مردم مفهوم یافته بود در تعریف خاص‌تری از این مفاهیم به ضرورت توجه و مسئولیت دولت در برابر ملت تغییر ماهیت داد. به عبارت دقیق‌تر، همسو با سیاست‌ها و شعارهای حاکمیت، تبیین و اجرای اهدافی به منظور رسیدن به توسعه اجتماعی و طرح مدرنیزه کردن ایران، همچنین تثبیت اقتدار حکومت بر کلیه ابعاد و شئون مملکت مورد توجه ویژه قرار گرفت. در نتیجه این تحول برای ارضای نیازهای مردمی که تا پیش از این با انجام خیرات و مبرات به شکل‌های سنتی و مذهبی و با تولید روحانیت به کارهای خیر علاقه‌مندی خود را نشان می‌دادند، اینک دولت با دست اندازی به حوزه اختیارات روحانیت، این بخش را خود به عهده گرفت. (ملک زاده، ۱۳۹۲، ۸-۹)

در دوره پهلوی اول و دوم، شرایط به گونه‌ای بود که عرصه حضور زنان از طبقات عادی جامعه نیز برای انجام اعمال خیرخواهانه و وقف مهیا گردید. زنان طی این دوره و پهلوی اول دارای فعالیت‌های اجتماعی درخور توجهی در مقایسه با ادوار در قالبی جدید بودند. از آن جمله تا سیس و ایجاد انجمن‌ها و مراکزی چون: انجمن آزادی زنان در سال ۱۰۸۶، انجمن مخدرات وطن در سال ۱۰۸۹، انجمن‌های خواتین ایران و شرکت خیریه خواتین ایران در سال ۱۰۹۲ ش، شرکت خواتین در اصفهان در سال ۱۰۹۱، انجمن شرکت آزمایش بانوان در سال ۱۰۹۹، جمعیت پیک سعادت نسوان در رشت در سال ۱۱۲۲، جمعیت زنان وطن خواه در سال ۱۱۲۱ ش، جمعیت نسوان وطن خواه در سال ۱۱۲۰، اتحادیه غیبی نسوان و یا تاسیس کانون بانوان در دوره رضاشاه که دخترش شمس پهلوی ریاست آن را بر عهده داشت، اشاره کرد که به مرور زنان به تقویت توانمندی‌های اجتماعی خویش، به ویژه تحصیلات و افزایش آگاهی‌های علمی اشتغال یافتند این تحرکات به تعبیری نشان از فعالیت فرهنگی زنان طی سال‌های بعد از مشروطه تا پایان دوره رضاشاه قلمداد می‌شود. مسلم است در عرصه وقف به عنوان یکی از عرصه‌های اجتماعی، حضور زنان پررنگ‌تر باشد. با در نظر گرفتن این مهم که جلوه‌ها و نمودهای اجتماعی و سیاسی مردم با توجه به ویژگی‌هایی چون کنشگری، اراده و آگاهی در دوران جدید نسبت به دوران قدیم، از گستردگی، عمق و تنوع بیشتری برخوردار بود فعالیت زنان نیز نمودهای اجتماعی بیشتری پیدا کرد. (افراف، ۱۳۹۵، ۲۵) برخی فعالیت‌های خیرخواهانه زنان در عرصه وقف در دوران مشروطه تا پهلوی عبارتند از:

۱- ساخت مراکز رفاهی - بهداشتی

در این دوران دغدغه ساخت مراکز رفاهی بهداشتی از جمله حوزه‌های ورود زنان به عرصه وقف و نیکوکاری می‌باشد. اشرف‌الملوک فخرالدوله از دختران مظفرالدین شاه قاجار و مادر علی امینی از رجال دوره پهلوی، در روزگار آغازین برآمدن پهلوی اول، با بنیان‌گذاری مرکزی آسایشگاهی و درمانی در زمین‌های موروثی‌اش در کهریزک، از پیشاهنگان این گستره به‌شمار می‌آید.

وی در سال ۱۳۰۴ هـ. ق متولد و در ابتدا نامزد پسر خاله خود دکتر محمد مصدق بود. اما به واسطه رقابت‌های سیاسی وقت، صدراعظم مظفرالدین شاه یعنی میرزا علی‌خان امین‌الدوله تصمیم گرفت جهت استحکام قدرت خود با خاندان سلطنتی و صلت کند. فخرالدوله در

^۱ . <https://www.faradeed.ir>

اواخر دوره قاجار و در بحبوحه اقدامات سردار سپه، در حدود ۷۸ دختر و پسر یتیم را تحت پوشش قرار داد و به همراه جمعی از زنان خیر در اطراف پرورشگاه که بعدها بنگاه خیریه بانوان نیکوکار نامیده شد، از دختران و پسران نگهداری می‌کرد. از جمله کسانی که او را در این کار یاری می‌دادند جبار فر مانفر ما، عزت‌الملوک فر مانفر ما، هما فر مانفر ما، قدسی عنایت دختر ظهیرالاسلام، نورافشار پایه‌گذار بیمارستان مسیح دانشوری، همدم نفیسی و معصومه امینی دختر فخرالدوله نام برد که بر اساس قوانینی که برای کار خود تدوین کرده بودند به کودکان بی‌سرپرستی که در چارچوب مقررات قرار داشتند خدمت می‌کردند. (بامداد، ۱۳۵۷، ج ۳، ۱۹۷)

۲- ساخت مراکز آموزشی نوین

در دوران پهلوی مشارکت زنان نیکوکار ایرانی در ساخت و وقف مدرسه‌های نوین به اندازه‌ای بالا گرفت که از محدوده شهرهای بزرگ نیز فراتر رفت، به گونه‌ای که بانوانی دل‌سوز در منطقه‌های کوچک دبیرستان‌هایی با هزینه شخصی بر اساس آیین دیرینه نیکوکاری ایرانی پدید آوردند.

عظمت ماسالی یکی از این زنان بود که در دهه سی خورشیدی با ساخت دبیرستانی در شهر ماسال برای بسیاری از دختران آن شهر امکان ادامه تحصیل فراهم آورد. از آنجا که شهر ماسال در آن زمان دبیرستان دخترانه نداشت، بی‌شک این کنش نیکوکارانه عظمت ماسالی با اذعان بسیاری از زنان باسواد و فرهیخته شهر ماسال که برخی از آن‌ها در شغل‌های معلمی بازنشسته‌اند، ارزشمند به شمار می‌آید، زیرا آن زنان در روزگار جوانی، برای ادامه تحصیل به شهرهای بزرگ نمی‌توانستند بروند. این دبیرستان اکنون در شهر ماسال با نام مرکز پیش‌دانشگاهی عظمت ماسالی فعالیت آموزشی دارد.^{۱۰}

از دیگر زنان نیکوکار این دوره، زهرا سلطان عزت‌السلطنه نظام مافی^{۱۱} دختر رضا قلی خان نظام‌السلطنه و خدیجه سلطان خانم دختر میرزا رضا آشتیانی هم‌سر عباس میرزا فرمانفرما بود که به فرمانفرمائیان^{۱۲} مشهور بود. او از جمله زنانی است که در امور خیریه نقش بسزا و تاثیر گذاری در تاریخ معاصر ایران داشته است، در واقع علاوه بر نگهداری ایتام و بی‌سرپرستان، آنچه که نام زهرا سلطان نظام مافی را بلندآوازه کرد، تلاش وی به ساختن مسجد، کتابخانه و مدارس مختلف در شهرهای متعدد، علی‌الخصوص ایجاد آموزشگاه‌های حرفه‌ای بود، که از محل درآمد املاک موروثی شخصی‌اش، و با وجود سطح اقتصاد خانوادگی نه چندان خوب، ایجاد کرد، ضمن آنکه موقوفاتی را نیز بر آنها قرار داد. از اقدامات او احداث و اهدای یک باب دبستان در شهرستان میاندوآب به سال ۱۳۳۲ ه.ش، اهدای کمک‌های مالی به منظور ساخت بیمارستان عباسی در شهرستان میاندوآب، احداث و وقف دبیرستان زهرا نظام‌مافی و تکمیل کلاس‌های آن، تأسیس و وقف ورزشگاه ویژه معلولین و بانوان کشور در شهر تهران، تأسیس و وقف مدرسه حرفه‌ای دخترانه به سال ۱۳۴۶ ه.ش در خیابان مهرآباد تهران، تأسیس و وقف مسجد امیرالمؤمنین (ع) همراه با یک باب خانه برای سکونت پیش‌نماز مسجد، وقف آموزشگاه حرفه‌ای مخصوص ناشنوایان و لال‌ها در سال ۱۳۴۷، ایجاد و وقف مرکز بهداشتی و درمانی و... اشاره کرد.

۳- انجمن‌های خیریه

انجمن‌های خیریه از جمله مدخل‌های نوین ورود زنان به حوزه وقف و نیکوکاری در عصر پهلوی بود که برخاسته شرایط فرهنگی منبعث از نظام حاکمیت موجود بود. خیریه‌های نوین ایران و انجمن‌های خیریه ایران از آن جمله بودند.

این مراکز در زمینه جمع‌آوری اعانه و رسیدگی به یتیم‌خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس فعالیت می‌کردند. شرکت خیریه خواتین ایران، به ریاست مریم مزین السلطنه، دختر رضی طباطبایی از اداره حفظ‌الصحة، برای وضع زنان، مخصوصاً در زایمان تقاضای

^{۱۰} <https://www.faradeed.ir>

رسیدگی کرد که به دلاکان و ماماهاى خانگی اجازه کار ندهند و خواهان معلم برای آموزش و امتحان قابله ها و تشکیل مجمعی برای این امر گردید (اتحادیه، ۱۶۱، ۱۳۸۰-۱۶۳)

در زمان پهلوی دوم فعالیت های فرح دیبا همسر محمدرضا پهلوی سوای انگیزه و هدف وی، حایز اهمیت است. جمعیت ها و سازمان هایی که فرح دیبا عهده دار اداره آنها بود شامل: ۱- جمعیت خیریه فرح پهلوی ۲- جمعیت کمک به جذامیان ایران ۳- جمعیت ملی مبارزه با سرطان ۴- سازمان رفاه خانواده ۵- سازمان مهد کودک ۶- انجمن ملی حمایت کودک ۷- جمعیت حمایت از کودکان بی سرپرست ۸- جمعیت آسیب دیدگان از سوختگی ۹- بنگاه حمایت از مادران و نوزادان ۱۰- سازمان کمک به نیازمندان ۱۱- سازمان بهداشت ۱۲- سازمان اردوهای کار کشور ۱۳- دانشگاه فرح پهلوی و بیمارستانها و درمانگاههای تابعه ۱۴- سازمان تنظیم خانواده ۱۵- کنگره پزشکی رامسر. (زند و سعیدی، ۱۳۷۰، ۲۸۱)

بدیهی است که ریاست این سازمانها تنها اسماً توسط فرح دیبا صورت می گرفت و در عمل هرکدام از این سازمانها از رئیس و هیات امناء ویژه ای برخوردار بود. اما در واقع هر سازمانی که خود را تحت نام او قرار می داد، می توانست از مزایای دولتی استفاده کند. از جمله قدیمی ترین سازمانهای تحت ریاست فرح دیبا، بنگاه خیریه حمایت مادران و نوزادان بود که به تدریج پس از جمعیت شیر و خورشید سرخ، بزرگترین بنیاد خیریه کشور گشت. از دیگر موسسات خیریه که تحت اداره فرح دیبا قرار داشت، انجمن خیریه فرح پهلوی بود که در سال ۱۳۳۹ شروع به فعالیت نمود و به ایجاد و اداره چند دارالایتام و پرورشگاه اقدام کرد. اندک اندک تعداد این پرورشگاهها در سراسر کشور افزون شد و به ۴۰ عدد بالغ گشت. رسیدگی به مسائل مربوط به حوادث غیرمترقبه چون سیل و زلزله در زمره کارهای فرح دیبا بود و سالانه بودجه کلانی بدین منظور اختصاص داده می شد. (کسری، ۱۳۸۰، ۲۴۰-۲۴۳)

در اواخر رژیم پهلوی با تضعیف و زوال تدریجی حکومت و نظام حکمرانی، امور خیریه و تشکیلات مربوط به آن، به نهادهای فاسد مبدل شد و تنها جنبه تبلیغاتی یافت و این نهادها به عنوان عامل نفوذی فرح دیبا در دربار و مسائل کشوری به حساب می آمد. سوء استفاده و رشوه های کلان و اختلاس ها در این حوزه از جمله کارهایی بود که توسط دوستان و یاران او صورت می گرفت. به این ترتیب اعانه ها و کمک های مردمی که به این سازمان می شد، اکثراً در جیب حضرات انباشته می گشت و مبلغ اندکی صرف خانواده های بی بضاعت می گشت. (صمیمی، ۱۳۶۸، ۱۴۰-۱۴۱) و بدین سبب افول فعالیت نیکوکاری و وقف در این زمان مشاهده می گردد که فعالیت زنان در این عرصه را نیز شامل می شد.

نتیجه گیری

وقف یکی از راههای ارضاء حس نوع دوستی، کمک به هم نوع و اهداف خیرخواهانه می باشد که سابقه دیرینه در تاریخ تمدن بشر داشته، تنها مخصوص اسلام و فقه و حقوق کشورهای اسلامی از جمله ایران نمی باشد. در طول تاریخ، مردم نیکوکار بخشی از اموال و مستغلات خود مانند زمین، خانه، باغ و غیره را از مالکیت خود خارج و منافع آن را برای اهداف خیرخواهانه متناسب با نیازهای جامعه اختصاص می دادند.

توسعه و گسترش این نهاد موثر، متکی به دو تلاش همزمان یعنی اصلاح ساختارهای اجرایی و تشویق و ترغیب انگیزه های درونی افراد تصمیم گیر است که تحقق آن، مستلزم اتخاذ یک سیاست راهبردی برای تبیین چگونگی فرهنگ سازی مناسب از سوی نظام حکمرانی در گسترش امر خیر و همچنین اصلاح ساختارهای اجرایی در جامعه است.

از جمله حوزه های مهمی که توسط نظام حکمرانی در جهت اعتلا این نهاد ارزشمند بایستی مورد توجه قرار گیرد، نشر و گسترش این امر در طیف های مختلف زنان به عنوان یکی از مهم ترین بسترسازان فرهنگ جامعه و بررسی اثربخشی آن می باشد که نمود بارز آن را در دوران صفویه به ویژه در عرصه وقف بانوان می توان ملاحظه نمود. در این دوران تلاش حاکمان وقت در جهت ایجاد آرامش و آسایش سیاسی و اجتماعی، پس از سال ها آشوب و نابسامانی و همچنین رونق اقتصاد و بازرگانی در سایه آرامش ایجاد شده، به همراه اقبال پادشاهان صفوی به نهاد وقف، زمینه ساز شکوفایی و رشد سریع این نهاد در این دوران گردید به گونه ای که در این زمان پادشاهان صفوی به عنوان پیشگامان عرصه وقف در راس قرار داشتند. در این دوران فعالیت موثری در جهت ورود زنان به این عرصه تحت عنوان سیاست گذاری مستقیم صورت نگرفت ولیکن با توجه به پذیرش نسبی نقش زنان در خانواده و اجتماع، زنان اشراف و ثروتمند صفوی، متأثر از عملکرد نظام حکمرانی وقت در انجام امور خیر (به طور غیر مستقیم)، اموال بسیاری در کارهای گوناگون وقف کرده اند که اهم آنان شامل وقف مراکز علمی، وقف مراکز رفاهی، وقف بر اولاد، وقف اماکن مذهبی و یا مرمت آن، وقف برای انجام مراسم مذهبی می باشد ولیکن زنان عامه نیز از این امر ممدوح دور نمانده، با توجه به علاقه فطری و تحت تاثیر جو حاکم بر جامعه برخاسته از سیاست پادشاهان در جهت ترویج این موضوع، انجام این مراسم ها و رونق آن رامورد توجه ویژه قرار داده و صرف هزینه هایی در قالب وقف در اعیاد و یا عزاداری در ایام شهادت معصومین به ویژه ماههای محرم و صفر پرداخته و به دلیل امکان هزینه کردن به اشکال مختلف همچون کمک جسمی و کمک نقدی در مبالغ مختلف، زمینه حضور طیف های مختلف زنان جامعه فراهم گردید.

در حد فاصل انقراض حکومت صفوی تا روی کار آمدن قاجار نهاد وقف در ایران سیر نزولی را در پیش گرفت به گونه ای که به طور مثال در دوران افشاریه نهاد وقف تا حدودی متوقف گردید. ولیکن با به روی کار آمدن حکومت تیموری در قرن نهم هجری و رویکرد فکری مناسب تر آنان نسبت به خانم ها، زنان به تدریج جایگاه خود را بدست آورده حتی زنان دربار میتوانستند در مسائل مهم حکومت دخالت کنند. این تغییرات در مسائل اجتماعی و حضور زنان، به طور غیر مستقیم در عرصه وقف بانوان نیز تاثیر گذار بود. در این دوران زنان در ساختن بناهای عام المنفعه نقش بسزایی داشتند.

در دوره قاجار با تغییر نظام حاکمیتی و رویکرد آن به تجددخواهی و نوگرایی، نظام اجتماعی- فرهنگی در جامعه تغییراتی یافت و از جمله، نهاد وقف به لحاظ مفهومی، نهادی و مدنی بازتعریف گردید. از این تغییرات می توان به، حضور واقفان زن از طبقه متوسط و حتی پایین جامعه اشاره نمود که بر خلاف دوران صفوی از انحصار زنان متمول و درباری خارج و بستر مناسب برای مشارکت زنان اقشار مختلف را فراهم می نماید. فعالیت های وقفی بانوان در این دوران در قالب وقف زمین، وقف مسجد، وقف امور مذهبی به ویژه برگزاری عزاداری ائمه و احیا آن به دلیل سیاست حاکم مبنی بر عدم انجام آن بود.

در دوران مشروطه و پس از آن، خدمات اجتماعی، وقف و امور خیریه و سازماندهی آنها به شکل جدیدی که ناشی از اقبال و توجه افراد خیر به معضلات اجتماعی و تلاش در جهت رفع آن بود در دستور کار دولتمردان قرار گرفت. فعالیت هایی همچون ایجاد گروه هایی برای ساماندهی ایتم، زنان بی سرپرست و.. شکل گرفته و سعی گردید اقشار آسیب دیده را تحت پوشش قرار دهند در این دوران، زنان ثروتمند، متناسب با نیاز و خواست جامعه به گستره کارهای نیک وارد شدند.

با آغاز حکومت پهلوی و سلطنت رضاشاه، بر مبنای سیاست حاکمیت، تشکیل موسسات خیریه و عام المنفعه وابسته به دولت یا تحت نظارت آن، توسط دولت و به عنوان وظیفه ای حکومتی معنا یافت. در دوره پهلوی اول و دوم، عرصه حضور زنان از طبقات عادی جامعه نیز برای انجام اعمال خیرخواهانه و وقف با اشکال جدید مهیا گردید که برخی از آنها عبارتند از: ساخت مراکز رفاهی- بهداشتی، ساخت مراکز آموزش شی نوین، انجمن های خیریه. ولیکن در اواخر رژیم پهلوی با تضعیف و زوال تدریجی حکومت و نظام حکمرانی،

امور خیریه و تشکیلات مربوط به آن، به نهادهای فاسد مبدل شد و تنها جنبه تبلیغاتی یافت و این نهادها به عنوان عامل نفوذی افراد متنفذ همچون فرح دیبا در دربار و مسائل کشوری به حساب می آمد. سوء استفاده و رشوه های کلان و اختلاس ها در این حوزه از جمله کارهایی بود که صورت می گرفت و بدین سبب افول فعالیت نیکوکاری و وقف در این زمان مشاهده می گردد که فعالیت زنان در این عرصه را نیز شامل می شد.

با مطالعه صورت گرفته این گونه متبادر می گردد که در سالهای گذشته، با وجود عدم توجه و اقبال نظام های حکمرانی کشور به برنامه ریزی هدفمند و مستقیم در به کارگیری بانوان کشور در عرصه وقف، ولیکن هر زمان که جایگاه زنان در خانواده و اجتماع، کمی ارتقا نموده حضور آنان در این عرصه پررنگ گردیده است و لذا لزوم برنامه ریزی صحیح و موثر در جهت استفاده از این پتانسیل عظیم توسط نظام حکمرانی کاملاً مشهود می باشد.

منابع:

۱. احمدی، زهت، ۱۳۸۰، نهاد وقف، دگرگونی ها و کارکردهای فرهنگی - مذهبی آن در عصر صفوی، رساله دکتری رشته تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه الزهرا
۲. اخوت، احمدرضا، ۱۳۹۳، معناشناسی خیر، انتشارات قرآن و اهل بیت، تهران
۳. اسماعیلی، حسن، ۱۳۹۲، احسان و نیکوکاری از دیدگاه قرآن و حدیث، همای غدیر، قم
۴. افرافر، مرضیه، ملک زاده، الهام، حسنی فر، عبدالرحمن، ۱۳۹۵، بررسی عملکرد زنان واقف و تأثیر فعالیت آنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی (مطالعه موردی زنان واقف تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۵. امرالهی، سمیه، ۱۳۹۱، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی وقف از شاه عباس اول تا اواخر دوره صفوی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز
۶. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۵۷، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، انتشارات صفی علیشاه
۷. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۱۹۷، تهران، زوار، ۱۳۵۷، چاپ دوم
۸. جعفریان، رسول، ۱۳۷۱، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۲، قم، انتشارات پژوهشکده و دانشگاه
۹. خشنودی، عفت، ۱۳۹۰، وقف نامه مدرسه مریم بیگم، وقف میراث جاودان؛ تابستان، شماره ۷۴، صص ۱۱۱-۱۳۲

۱۰. خواجهگی اصفهانی، ۱۳۶۸، خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفوی صفوی)، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی
۱۱. دبیر سیاقی، محمد، ۱۳۸۴، موقوفات انیس الدوله، وقف میراث جاودان، ش ۵۰، تابستان، ۲۰-۳۲
۱۲. رجبی، محمد حسن، ۱۳۷۴، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی (از آغاز تا مشروطه)، انتشارات سروش، تهران
۱۳. ریاحی، محمد حسین، ۱۳۷۵، مشاهیر زنان اصفهان (از عصر گذشته تاکنون)، چ اول، نشر روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان اصفهان ریاحی سامانی، نادر، ۱۳۷۸، وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات، چ اول، شیراز، نوید شیراز
۱۴. زند، اسماعیل، سعیدی، بتول، ۱۳۷۰، ماروین شکست شاهانه؛ ملاحظاتی درباره سقوط شاه، تهران: نشر نور
۱۵. صداقت پیش، جمشید، ۱۳۸۶، کاروانسراها، میراث جاودان، تهران، ش ۵۸
۱۶. صمیمی، مینو، ۱۳۶۸، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات، چاپ دوم
۱۷. طباطبایی، سید ریاض الدین، بهار، مهری، ۱۳۹۵، بازنمایی وقف در رسانه مورد تجربی: تحلیل محتوای فصلنامه وقف، میراث جاویدان بین سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، اولین همایش ملی خیر ماندگار
۱۸. طیب نیا، محمد صالح، ربانی اصفهانی، حوریه، ۱۳۹۷، به توان ایران، اصفهان، قبسات
۱۹. عقیق بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۸۲، زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (طبقات نسوان)، چ اول، قم، انتشارات نوید اسلام
۲۰. فلسفی، نصرالله، ۱۳۷۵، زندگانی شاه عباس اول، ج ۳، تهران، چاپ ۶، انتشارات علمی
۲۱. فوران، جان، ۱۳۸۶، صفویه آخرین حضور ایران در مدار اقتصاد جهانی، تهران، تهران امروز
۲۲. فیگوئرا، دن کارسیا د سیلوا، ۱۳۶۳، سفر نامه سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، انتشارات خوارزمی
۲۳. لمبتون، ۱۳۶۳، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر
۲۴. کسری، نیلوفر، ۱۳۸۰، زنان ذی نفوذ خاندان پهلوی، تهران: نشر نامک، چاپ دوم
۲۵. کمپفر، انگلبرت، ۱۳۵۰، سفرنامه کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی
۲۶. مطبوعه چی اصفهانی، سید مصطفی، ۱۳۸۷، جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۳
۲۷. ملکزاده، الهام، ۱۳۹۲، موسسات خیریه رفاهی - بهداشتی در دوره رضاشاه، تهران، نشر تاریخ ایران
۲۸. میرزا سمیعا، ۱۳۸۶، تذکره الملوک، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات امیر کبیر
۲۹. هنر فر، لطف الله، ۱۳۵۰، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات کتابفروشی ثقیفی

سایت ها :

. <https://www.faradeed.ir>